



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

سنگ‌نبشته‌ها بزرگان ایران در همه جای دنیا

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۸ خرداد ۱۳۹۶ - ۱۳ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

برای ساخت آبراه سوئز در مصر داریوش پنج کتیبه بر روی سنگ گرانیت سرخ‌رنگ (سنگ سماق) در کنار این آبراه مهم نگاشته است که یادمانی از انجام این برنامه بزرگ و شگفت مهندسی و زمین‌پیمایی در عصر باستان است. هر پنج نسخه رونوشتی از یکدیگر هستند و تفاوت‌چندانی در مضمون با هم ندارند. نخستین کتیبه در ابتدای آبراه و در حاشیه شهر فعلی سوئز قرار دارد. دومین کتیبه در شهر شالوف است که امروزه در میانه میدانی در این شهر جای دارد. سومین کتیبه در ابتدای دریاچه تلخ و در محل شهر فعلی کبریت/کبریت برپا شده است. چهارمین



برای ساخت آبراه سوئز در مصر داریوش پنج کتیبه بر روی سنگ گرانیث سرخرنگ (سنگ سماق) در کنار این آبراه مهم نگاشته است که یادمانی از انجام این برنامه بزرگ و شگفت مهندسی و زمین‌پیمایی در عصر باستان است. هر پنج نسخه رونوشتی از یکدیگر هستند و تفاوت‌چندانی در مضمون با هم ندارند. نخستین کتیبه در ابتدای آبراه و در حاشیه شهر فعلی سوئز قرار دارد. دومین کتیبه در شهر شالوف است که امروزه در میانه میدان در این شهر جای دارد. سومین کتیبه در ابتدای دریاچه تلخ و در محل شهر فعلی کبریت/ کبریت برپا شده است. چهارمین کتیبه در نزدیکی شهر سرابه/ سرابه‌اوم و پنجمین کتیبه نیز در نزدیکی تل مسخوطه/ تل‌المسخوطه قرار دارد.

تلطیف آوایی یکسان دو واژه

تیشتر و تیگره

در زبان فارسی دستکم با دو واژه جداگانه با دو معنای گوناگون سروکار داریم که هر دو «تیر» نوشته و خوانده می‌شوند. یکی از این دو، تلطیف شده واژه «تیشتر» است و به عنوان نامی برای ستاره شباهنگ و ایزد پیوسته به آن، ماه نخست فصل تابستان، روز سیزدهم هر ماه در گاهشماری‌های ایرانی و نیز برای جشن تیرگان در سیزدهمین روز تیرماه بکار می‌رود. دومین آنها، تلطیف شده واژه «تیغره» است و به عنوان نامی برای سیاره عطارد و ایزد پیوسته به آن، خدنگ و آنچه با کمان اندازند، رود دجله، و هر چیز تند و تیز و شتابنده بکار می‌رود. این دو معمولاً با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شوند و معنای هر کدام به دیگری نسبت داده می‌شود.

کوروش بزرگ

در تاریخ‌نامه‌های سنتی رومانیایی

کشور رومانی در زمان‌های دور و حدود سده‌های آغاز میلادی، «داچیا» نامیده می‌شده است. رومانیاییان هم به مانند بسیاری از ملل، دارای تاریخ‌نامه‌هایی کهن و سنتی هستند که در آنها باورها و استنباط‌های مردمان از آفرینش جهان و رویدادهای اسطوره‌ای و تاریخی باز آمده است. این سرگذشت‌ها مانند همه نمونه‌هایی که در میان دیگر مردمان جهان دیده می‌شود، با افسانه‌ها و تکیه‌های داستانی توأم هستند. یکی از مهم‌ترین این آثار عبارت است از کتاب «رویدادنگاری» که «میخائیل موکسا/ میخائیل موکسالیه» (Mihail Moxaliev) در سده شانزدهم میلادی/ دهم ایرانی، آنرا بر اساس روایت‌های ملی و نیز گزارش‌های منابع کهن‌تر بیزانسی و مولداویایی، همچون اثر منظوم کنستانتین مناسیس (Constantin Manasses) از سده یازدهم میلادی/ پنجم ایرانی، تألیف و تدوین کرده است. مشهور است که موکسالیه تا جای ممکن از افزودن روایت‌های غلوآمیز و تخیلی به کتاب خود دوری می‌کرده و از خردی عالمانه برای گزینش روایت‌ها بهره می‌برده است.

حرف الفبای تازه در خط میخی فارسی باستان

خط میخی الفبایی- هجایی فارسی باستان دارای 36 نشان یا علامت است که نشان سوم از سطر دوم کتیبه خارک تاکنون در هیچیک از سنگ‌نبشته‌ها و نشان‌های سی و شش‌گانه شناخته‌شده دیده نشده است. چنین به نظر می‌آید که در دوره‌ای تصمیم گرفته شده برای هجای «نُگ» (nko) که بخشی از آن نوشته نمی‌شده اما خوانده می‌شده است، نشان تازه‌ای وضع شود و در کتیبه خارک برای نگارش واژه «سانگُشا» (sânkošâ) بکار گرفته شود. چنانچه این نظر (که در تصویر پیوست به روشنی دیده می‌شود) درست باشد، اکنون سی و هفتمین حرف یا نشان خط میخی فارسی باستان شناسایی شده است.

سنگ‌نبشته خارک

گزارش مقدماتی از خوانش کتیبه نویافته در جزیره خارک

در چند روز گذشته، آقای حسن ظهوری- خبرنگار کوشای خبرگزاری میراث فرهنگی- چندین گزارش از چگونگی کشف کتیبه‌ای در جزیره خارک را منتشر کرد و همچنین از توقف عملیات راهسازی برای بررسی‌های بیشتر منطقه خبر داد. این گزارش کوتاه بر پایه عکس‌هایی که آقای ظهوری با لطف برای این نگارنده فرستاده، نوشته شده و جای گزارش‌های پژوهشگرانی را که در محل به بررسی آن خواهند پرداخت، نخواهد گرفت. کتیبه خارک در آبان‌ماه امسال و در روند ساخت جاده‌ای در جزیره خارک پیدا شده است. کتیبه بر روی سنگ مرجانی بومی جزیره با عرض و طول تقریبی یک متر نویسانده شده و هرچند که اکنون از محل اصلی خود جداشده، اما در اصل خود، گویا اثری غیرمنقول بر صخره‌های مرجانی جزیره بوده است.

سنگ‌نبشته خشیارشا شاه

در شهر وان

شهر وان در پنج کیلومتری شرق دریاچه‌ای به همین نام در آناتولی شرقی قرار دارد. این شهر و دشت‌های پیرامون آن، کهن‌ترین استقرارگاه کشور باستانی «اورواتری» Uruatri (در فارسی باستان: «آرمینه Arminah / ارمنیه، در بابلی و آشوری: «اورارتو» Urartu) بوده است. این شهر و دریاچه در زبان اورارتویی با نام‌های «بیائینی» Biaini و «نائیری» Nairi شناخته می‌شده و شهر قلعه‌مانند «توشپا» Tushapa/ Tospa پایتخت اورارتوییان در سده‌های نخستین هزاره یکم پیش از میلاد نیز در همین ناحیه بوده است. بازمانده بناها و آثار اورارتویی توشپا، در قلعه و تپه‌هایی در غرب شهر امروزی وان (که به نام «وان قدیم» خوانده می‌شوند) و در فاصله دو کیلومتری از کرانه دریاچه، همچنان برجای مانده است.

صخره‌کندهای کفترلی

دومین کتیبه نویافته به خط هندسی در ایران

دومین کتیبه صخره‌ای به خط هندسی به همراه شمار فراوانی از نگاره‌های جانوران و شکارچیان در دشت اخترآباد شهریار شناسایی شده است.

مدتی پیش، آقای رحیمی (مدیر پایگاه میراث فرهنگی شهریار) از پیدایی نگارنده‌هایی در شهریار باخبرم کرد و سپس از روی لطف مرا به دیدار آنها برد. پس از دیدار و بررسی این صخره‌کندهای آکنده از نگاره‌هایی که نمونه‌های مشابه فراوانی از آنها در نواحی گوناگون دیده شده‌اند، به وجود چندین نشان ویژه خط هندسی که در سنگ‌نبشته کن‌چرمی نیز دیده شده بود، پی بردم و به این ترتیب دومین کتیبه صخره‌ای به این خط در ایران شناخته شد. کوه کفترلی در شهریار به خاطر در برداشتن کتیبه‌ای باستانی که تنها یک نمونه مشابه با خود در سراسر کشور دارد، دارای اهمیتی ویژه است که لازم است تا با مطالعاتی فراگیر به بررسی آن پرداخت.

آیین مزدک به روایت دینکرد

تنها متن بازمانده از گفتگوی مزدکیان با روحانیت زرتشتی

در نخستین سال‌های آغاز پادشاهی ساسانیان و با پشتیبانی اردشیر بابکان، دین تازه‌ای به نام «به‌دینی» یا «مزدیسنا» (مزدپرستی) بدست موبد کرتیر به وجود آمد که پس از حدود 1700 سال و در قرن اخیر به «دین زرتشتی» تغییر نام داده و هیچ ارتباطی با شخص زرتشت ندارد.

نفوذ و دخالت موبدان زرتشتی عصر ساسانی در هنجارهای دینی مردمان، تحریف و تباهی فرهنگ و تاریخ ایران زمین، کشتار و نابودی پیروان ادیان دیگر و نیایشگاه‌های آنان (که کرتیر در کتیبه معروف خود در نقش رستم به صراحت به آن اشاره کرده است)، موجب تضعیف هویت ملی، پیشینه تاریخی و همبستگی ایرانیان می‌شود و آنچه‌ان بنیادهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان را تباه می‌کند که راه را برای غلبه مهاجمان آزمند به ایران هموار می‌سازد.

در تمام مدت سلطه‌گری دینی عصر ساسانی، جنبش‌های گوناگونی برای رهایی جامعه ایرانی از چنگال انحصارطلبان

دینی و سرکوبگران آزادی‌های اجتماعی و فردی روی داد که تمامی آنها با دو ابزار پر توان که همواره در ایران و جهان روایی داشته، سرکوب و نابود شدند: نخست، بهره‌گیری از قدرت نظامی و زور سرنیزه؛ دوم، بهره‌گیری از قدرت دینی و اتهام ارتداد و کفر.

رویدادنامه نبونید و کوروش بزرگ

کهن‌ترین کتیبه از زمان کوروش هخامنشی

رویدادنامه نبونید- کوروش (که نخستین ترجمه فارسی متن کامل آن در اینجا منتشر می‌شود)، واپسین نمونه از سنت دیرین نگارش رویدادنامه‌های متکی بر گاهشماری در میانرودان (بین‌النهرین) است. این کتیبه به ثبت رویدادهای سال نخست پادشاهی نبونید (555/556 پیش از میلاد) تا سال نخست پادشاهی کوروش بزرگ بر بابل (538/539 پیش از میلاد) می‌پردازد و در زمان پادشاهی کوروش و پیش از منشور معروف او نوشته شده است. این سند با اینکه بسیار کوتاه و آسیب‌دیده است، از چند جهت اهمیتی فراوان دارد:

کهن‌ترین سند مکتوب از زمان پادشاهی کوروش بزرگ هخامنشی؛ کهن‌ترین منبع بازگویی غلبه کوروش بر سرزمین‌های دیگر و از جمله تصرف بابل؛ کهن‌ترین راوی حمله‌های متقابل آستیاگ و کوروش، معرفی آستیاگ به عنوان آغازگر نبرد و سپس سقوط آستیاگ، آخرین پادشاه مادی و پایان شاهنشاهی ماد؛ رویدادهای سال‌های پادشاهی آخرین شاه بابل و پایان همیشگی استقلال آن.

منشور نبونید

کتیبه آخرین شاه بابل

نبونید (نبونیدوس) آخرین شاه در سنت پادشاهی بابل است که پس از شکست از کوروش دوم هخامنشی، به پادشاهی او و استقلال کشورش پایان داده می‌شود. او به مدت هفده سال از سال 556 تا سال 539 پیش از میلاد شاه بابل بود. . . منشور نبونید، علاوه بر اهمیت‌های تاریخی دیگری که دارد، کهن‌ترین منبعی است که در آن از کوروش نام برده شده و به نبرد او با آستیاگ، آخرین پادشاه ماد اشاره رفته است. جالب است که این اشاره به کوروش در متن کتیبه از زبان مردوک، خدای بزرگ بابلیان بازگو می‌شود

سنگ‌نبشته گن‌چرمی

گزارش مقدماتی از کتیبه صخره‌ای کهن و نویافته در ایران

در بهار سال گذشته، با گزارش‌های شفاهی مردمان بومی نواحی شرقی کردستان از وجود نگارندهایی در نزدیکی روستای «گن‌چرمی» در شمال شهر بیجار باخبر شدم. آن گفتارها به اندازه‌ای روشن‌گر نبود تا بتوان تشخیص داد که آیا در آن ناحیه، با سنگ‌نگاره‌ای روبرو خواهیم شد یا با سنگ‌نبشته‌ای. تصمیم گرفتم که پیش از سفر به منطقه،

آگاهی‌هایی از آن بدست آورم. موضوع را با برخی از دوستان و سپس با آقای دکتر سعید عریان، دانشمند برجسته زبان پهلوی در میان نهادم. اما هیچکدام از آنان، نام و گزارشی از چنین نگارکندی را نشنیده و نخوانده بودند. در تیرماه سال 1384 با راه‌بلد جوانی از اهالی همان روستا بنام رحیم کن‌چرمی، موفق شدم تا به دیدار آن صخره‌کند بروم و عکس و گزارش‌هایی مقدماتی از آن تهیه کنم.

منشور کورش هخامنشی

برگرفته از چاپ پنجم کتاب «منشور کورش هخامنشی» از همین نگارنده (1384)

منشور کوروش هخامنشی، کهن‌ترین بیانیه حقوق بشر شناخته شده جهان و سند سربلندی ایرانیان از همزیستی آشتی‌جویانه و گرامیداشتِ باورها و اندیشه‌های همه مردمان تابعه در هنگامه بنیادگذاری نخستین امپراطوری جهان است. دنیای باستان همواره از آتش جنگ‌ها و یورش‌های بی‌پایان در رنج بوده است و کشورهای آشتی‌جو نیز ناچار بوده‌اند تا برای رهایی مردمان خود از تاخت‌وتازهای همیشگی همسایگان ناآرام، به رویارویی و چیرگی بر آنان بپردازند. اما مهم این است که پیروزمندان میدان نبرد، چگونه با سپاه شکسته و مردم فرودست رفتار می‌کرده‌اند؟ تاریخ‌نامه‌های بشری بازگوکننده رفتار نیک کورش بزرگ، پادشاه نیرومندترین کشور آنروز جهان و کنش‌های ستیزنده دیگر فرمانروایان گیتی بوده است.

سنگ‌نبشته رباطک

پنجره‌ای گشوده بر فرهنگ ایرانی و زبان آریایی

کشف سنگ‌نبشته رباطک به چندین پرسش دیرینه در زمینه مطالعات کوشانی، پاسخ داد. به موجب این کتیبه دانسته می‌شود که کوشانیان زبان خود را بنام «زبان آریایی» می‌شناخته‌اند و آن نیای زبان فارسی یا دری است که گویا «دری» گونه تغییریافته واژه «آریئو» باشد. زبان آریایی و گونه تحول‌یافته آن بنام دری/فارسی، زبان همگانی مردمان سرزمین‌های ایرانی بوده و منظور از «فارس»، تنها ناحیه فارس در جنوب ایران نیست؛ بلکه دلالت بر تمامی سرزمین‌های ایرانی دارد. این زبان در شکل نخستین و سپسین خود در گستره‌ای پهناور از غرب ایران آنروز، آناتولی و کرانه‌های فرات تا هند و پنجاب و آسیای میانه رواج داشته و مفهوم بوده است.

کتیبه داریوش بزرگ در بیستون

متن کامل

برگرفته از چاپ سوم کتاب «بیستون، کتیبه داریوش بزرگ» از همین نگارنده (1384)

من «داریَوَئوش» (داریوش)، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در «پارسَه» (پارس)، شاه سرزمین‌ها، پسر «وِشتاسپَه» (ویشتاسپ)، نوه «آرَشامَه» (آرشام)، هخامنشی. داریوش شاه گوید: پدر من ویشتاسپ، پدر ویشتاسپ آرشام، پدر آرشام «آری‌یازَمَنَه» (آریازَمَنَه)، پدر آریازَمَنَه «چش‌پش» (چیش‌پیش)، پدر چیش‌پیش «هَخامَنِش» است

در باره

کتیبه داریوش بزرگ در بیستون

راهی که امروزه شهرهای همدان، کنگاور، کرمانشاه (کرمانشاه)، سرپل‌زهاب، قصرشیرین و خسروی را به سرزمین میاندورود (بین‌النهرین) پیوند می‌دهد؛ همان راه باستانی چند هزار ساله است که سرزمین‌های خاوری و میانی ایران‌زمین را به سرزمین‌های باختری و به بابل و نینوا و دیگر شهرهای میاندورود پیوند می‌داده است. این راه در 30 کیلومتری کرمانشاه، دشت خرم بیستون و دامنه کوه «پرو» را در می‌نوردد. این خرمی بیش از هر چیز وامدار رود خروشان گاماسیاب و چشمه باستانی همیشه جوشان بیستون می‌باشد. در درازای این راه و به ویژه در بیستون، یادمان‌های باستانی فراوانی به چشم می‌خورد که نشانه رویکرد ویژه پیشینیان به این سامان بوده است.

لوحه‌های تخت جمشید

اسناد بنیادین از نظام‌های اجتماعی و اداری در ایران هخامنشی

در تخت‌جمشید چند گونه کتیبه از دوره هخامنشی دیده شده و به دست آمده است. یکی، سنگ‌نبشته‌های پادشاهان هخامنشی که به زبان و خط میخی «پارسی باستان» بر روی نمای سنگی کاخ‌ها و بناهای تخت‌جمشید نویسانده شده و معمولاً با ترجمان آن به خط میخی و زبان‌های «عیلامی» و «بابلی نو (اکدی)» همراه هستند. دوم، لوحه‌های زرین و سیمین داریوش بزرگ که از صندوق‌های سنگی در پایه دیوارهای تالار آپادانا پیدا شد و یکی از لوحه‌های زرین آن در چند سال پیش مفقود و پس از اظهارنظرهای فراوان و متناقض در باره سرنوشت آن، در نهایت چنین گفته شد که یکی از مسئولان موزه ایران باستان آنرا ربوده و «آب» کرده است. سوم، کتیبه‌هایی که بر روی اشیایی همچو سنگ وزنه، مهر، دستگیره در، آجرهای لعابدار و آوندهای گوناگون دیده شده است.

داستان زایش زرتشت

هر قوم و ملتی، جدای از روایت‌ها و منابع مستند علمی یا تاریخی، داستان‌ها و باورهایی نیز در سرگذشت زایش، زندگی و مرگ پیامبران و بزرگان خود دارد. هر چند که چنین داستان‌هایی کمتر می‌توانند در پژوهش‌های علمی و تاریخی مفید باشند، اما اهمیت بیشتر آنها در بررسی احساسات و اندیشه‌ورزی و آرمان‌های مردمان پدیدآورنده آن، نهفته است.

کتیبه پنجم داریوش شاه

در شوش

از داریوش بزرگ، کتیبه‌های فراوانی در شهر شوش به دست آمده است که بر روی سنگ‌های مرمرین، پاستون‌ها، لوح‌های گلین و یا بر آجر نگاشته شده‌اند. بیشتر این کتیبه‌ها، مانند دیگر نبشته‌های هخامنشی به سه خط و زبان

فارسی باستان، عیلامی و بابلی هستند. متن زیر گزارش فارسی یکی از مهمترین کتیبه‌های داریوش بزرگ، یعنی کتیبه پنجم او در شوش (DSeF1E6CA) است که در آن اندیشه‌های داریوش در زمینه صلح‌جویی و همبستگی سرزمین‌ها، آبادانی و سامان شهرها، پاسداشت ناتوانان، پایداری میهن و بسا نکات مهم دیگر آمده است. این کتیبه کوتاه، همراه با نویسه اصلی میخی فارسی باستان، آوانوشت و برخی توضیحات از سوی این نگارنده در دست چاپ است و ترجمان آسان‌خوان آن در اینجا منتشر می‌شود.

اوستای کهن

همراه با فرضیه‌هایی پیرامون نجوم‌شناسی بخش‌های کهن اوستا

کتاب «اوستا»، کهن‌ترین مجموعه نوشتارهای ایرانیان، بارها و بارها دچار آسیب‌های زمانه شده است. تا آنجا که اطلاعات تاریخی در دست است، یکبار در روزگار یورش نظامی و فرهنگی اسکندر مقدونی به سرزمین ایران و سوزاندن و نابودی اوستایی که متن اصلی آن بر روی دوازده هزار پوست گاو نبشته شده بود؛ حتی اگر رقم دوازده هزار مبالغه‌آمیز به نظر برسد، اما به هر حال کتاب اوستا آنقدر بزرگ بوده است که نویسندگان و مورخان پهلوی و اسلامی بدون ابراز تردید این رقم بزرگ را در آثار خود بیاورند. و بارهای دیگر نابودی بخش‌های وسیعی از اوستا -آنگونه که گفته شده است- در هنگامه یورش اعراب و مغول به سرزمین ایران روی داده است. اما اگر منصفانه قضاوت کنیم نباید این نکته غم‌انگیز را فراموش کنیم که بخش‌های شایان توجهی از اوستا بر اثر بی‌توجهی خود ما ایرانیان از بین رفته و به دست فراموشی سپرده شده است. از آثار ابوریحان بیرونی و دیگر نویسندگان همزمان او به درستی دریافته می‌شود که بخش‌هایی از اوستا که امروزه در دسترس نیستند، در زمان آنان موجود بوده و ایشان در نوشتارهای خود به آن استناد کرده‌اند. از سوی دیگر این نکته را نیز نباید نادیده انگاشت که اوستا مجموعه‌ای از نوشتارهای گوناگون بوده است و بخش‌هایی از این نوشتارها که رویکردی علمی و دانشی داشته‌اند -بر اثر بی‌توجهی عمومی- زودتر از بخش‌های دینی که بیشتر مورد توجه همگان قرار می‌گیرد، از بین رفته و فراموش شده‌اند.

آسیب‌های وارد شده به کتاب اوستا، تنها شامل بخش‌های از بین رفته نمی‌شود؛ بلکه اضافات و تغییرات عصر ساسانی نیز از جمله این آسیب‌ها به شمار می‌رود. این تغییرات به منظور تطبیق متن اوستا با اعتقادات ساختگی دینی زرتشتی ساسانیان - که تفاوتی قابل ملاحظه با «آیین زرتشت» داشته است، به عمل آمده است

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «سنگ‌نبشته‌ها بزرگان ایران در همه جای دنیا»، پارسیان دژ، ۱۳۹۶.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1076/pdf/سنگ-نېشته-ها-بزرگان-ایران-در-همه-جای.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰